

پیش‌بینی میزان هویت‌گرایی ملی و دینی بر اساس سبک‌های هویتی

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱/۲۳

ابوالقاسم یعقوبی^۱، سروه محمدزاده^۲

چکیده:

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی میزان هویت‌گرایی ملی و دینی بر اساس سبک‌های هویتی در قومیت‌های ایرانی انجام شد.

روش: جامعه‌ی پژوهش را کلیه دانشجویان در حال تحصیل دانشگاه کردستان تشکیل دادند. نمونه‌ی پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از دانشجویان با قومیت‌های مختلف فارس، کرد، آذری و لر دانشگاه کردستان بود. افراد مورد پژوهش مقیاس‌های هویت‌گرایی ملی و دینی (لطف‌آبادی، ۱۳۸۳) و سبک‌های هویت (برزونسکی، ۱۹۸۹) را تکمیل نمودند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری و تعهد با هویت ملی همبستگی مثبت معنادار دارند و سبک سردرگمی همبستگی منفی معناداری با هویت‌گرایی ملی دارد. سبک هویتی اطلاعاتی همبستگی منفی معناداری با هویت دینی دارد و سبک هویت هنجاری همبستگی مثبت معناداری با هویت دینی دارد رابطه بین سبک‌های سردرگمی و تعهد معنادار نشد نتایج تحلیل واریانس دوره‌ها نشان داد تفاوت بین قومیت‌ها از لحاظ میزان هویت‌گرایی ملی معنادار است اما بین قومیت‌های مختلف ایرانی از لحاظ هویت دینی تفاوت معناداری وجود نداشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه یافته‌ها حاکی از تفاوت میزان هویت‌گرایی قومیت‌های ایرانی دارد، می‌توان از یافته‌ها برای تدوین برنامه‌هایی جهت افزایش هویت‌گرایی ملی استفاده کرد
واژه‌های کلیدی: هویت‌گرایی ملی، هویت دینی، سبک‌های هویتی، قومیت.

^۱ دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا همدان، * نویسنده‌ی

مسئول: yaghoobiabolghasem@gmail.com

^۲ دکتری روان‌شناسی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان

Predicting the Level of National and Religious Identity, Based on an Identity Styles

Yaghoubi, A.; Mohammadzadeh, S.

Abstract:

Introduction: The outline of this paper was Predicting the level of national and religious identity, based on an identity styles in Iranian ethnicities.

Method: The study population included of all students studying at the University of Kurdistan. The sample consisted of 400 students from different ethnicities Persian, Kurdish, Azari and Lor from university of Kurdistan. Subjects completed Lotfabadi of national, and religious identity scale (1385) and Berzonsky Identity styles(1989).

Results: results showed there is significant positive relationship between informational and normative identity styles and commitment with national identity. Confusion/ avoidant style had negative relationship with national identity. Informational style had a significant negative correlation with religious identity and normative identity style had a significant positive correlation with religious identity. Confusion style had not significant relationship with commitment. Two-way ANOVA results showed the difference between ethnicities in terms of national identity is significant On the other hand between the various Iranian ethnic groups there is not statistically different in terms of religious identity.

Conclusion: According to the findings of the difference in identity styles, in Iranian ethnicities, the findings can be used to develop programs to enhance national identity.

Keywords: national identity, religious identity, identity styles, ethnicity.

مقدمه

در نوجوانی، دغدغه اصلی نوجوانان پیدا کردن جوابی مطمئن برای پرسش «من کیستم» است. تلاشی آگاهانه، مستمر و دائمی برای شناسایی و معرفی خود در برابر دیگری که هویت نام دارد و برنامه‌ریزی آینده شغلی، تحصیلی و اجتماعی فرد درگرو یافتن پاسخ این پرسش است (جعفرزاده پور و حیدری، ۱۳۹۳). هر کس به روش منحصر به فرد خود به دنبال پاسخ این پرسش اساسی است. عده‌ای ابتدا راجع به انتخاب‌های احتمالی خود اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند و با سبک سنگین کردن به انتخاب می‌پردازند، عده‌ای دیگر نیز ترجیح می‌دهند راه‌های امتحان یا توصیه‌شده توسط دیگران را در پیش بگیرند و احتمال هرگونه خطا و شکست را پایین بیاورند (هومه^۱، ۲۰۰۸).

¹ Hume

در نظریه‌ی روانی- اجتماعی اریکسون شکل‌گیری هویت با حل موفقیت‌آمیز بحران هویت همراه است. اریکسون فرایند رشد را به‌عنوان مجموعه‌ای از تعارض‌ها در مراحل سنی مختلف در نظر می‌گیرد که نتیجه‌ی تعامل بین محیط و رشد فردی است (ولوراس و بوسما^۱، ۲۰۰۵). شکست و موفقیت در هر مرحله، عملکرد فرد را در مراحل بعدی پیش‌بینی می‌کند. از نظر اریکسون هویت برای کل شخصیت، چارچوب و مرجع عمل ایجاد می‌کند و به زندگی فرد معنا و جهت می‌دهد.

دستیابی موفقیت‌آمیز به هویت، موجب اولین تکلیف بزرگ‌سالی یعنی رشد احساس صمیمیت حقیقی می‌شود. ناکامی در دستیابی به هویت، به عدم صمیمیت یا فاصله‌گذاری منجر می‌شود. فاصله‌گذاری به آمادگی برای فاصله گرفتن از مردم و موقعیت‌هایی که ممکن است هویت فرد را نقض کند، اطلاق می‌شود. بنابراین، حل موفقیت‌آمیز مباحث هویت نه تنها برای سلامت فرد مهم است، بلکه برای روابط بین فردی نیز حائز اهمیت زیادی است. اریکسون، صمیمیت اصیل و واقعی را تنها نتیجه‌ی شکل‌گیری هویت می‌داند. داشتن مفهومی از خود، شرط لازم و گام اول برای صمیمیت است که به‌صورت توانایی داشتن روابط دوجانبه با دیگر افراد نمایان می‌شود. دوجانبه بودن به این مفهوم است که هر شخص نیازها، افکار و احساسات طرف مقابل را مورد توجه قرار دهد. تکامل مطالعه‌ی رشد هویت‌پس از تفسیرهای نظری و نتیجه‌گیری‌های اریکسون، در عملیاتی کردن تجربی ماریسا و در نهایت شش نظریه‌ی جایگزین (برزونسکی، گروتوانت، واترمن، کورتینس، آدامز و کوته) که از ۱۹۸۷ به بعد معرفی شده، قابل ردیابی است (شوارتز^۲، ۲۰۰۱).

در خلال سه دهه‌ی گذشته، اکثر محققان مفهوم‌سازی‌های خود درباره‌ی شکل‌گیری هویت را در قالب مدل ماریسا^۳ عنوان کرده‌اند. ماریسا (۱۹۶۶) پایگاه هویت را برای عملیاتی کردن مفهوم هویت اریکسون وارد ادبیات پژوهش کرد و بحران^۴ و تعهد^۵ را دو عامل اساسی شکل‌گیری هویت معرفی کرد. در خلال دوره‌ی بحران، فرد آرمان‌ها، عقاید و انتظارات را مورد سؤال قرار می‌دهد و در دوره‌ی تعهد، در جهت خاصی به اهداف و آرمان‌هایی مشخص، متعهد می‌شود. ماریسا بر اساس حضور یا فقدان این دو عامل چهار پایگاه هویتی موفق، دیررس، معوق و مغشوش را معرفی کرد.

الگوی پردازش شناختی اجتماعی هویت برزونسکی، راهبردها و فرایندهای مورد استفاده برای ساخت و اصلاح هویت را مطالعه می‌کند. مطابق این دیدگاه، هویت، ساختارشناختی و چارچوب ارجاعی فرد برای تفسیر تجارب و اطلاعات مربوط به خود و یافتن معنا و جهت برای زندگی است. افراد فعالانه به ساخت تفکر درباره‌ی خود و واقعیت زندگی می‌پردازند. اگر تلاش فرد در این راه ناموفق باشد، اصلاح و بازبینی ساختار هویت صورت می‌گیرد. (برزونسکی^۶، ۱۹۹۳). سه جهت‌گیری

¹ Vleioras & Bosma

² Schwartz

³ Marcia

⁴ Crisis

⁵ Commitment

⁶ Berzonsky

یا سبک پردازش هویت در نظریه برزونسکی شامل اجتنابی/سردرگم، اطلاعاتی و هنجاری است. سبک اطلاعاتی، ظاهراً سازگارانه‌ترین سبک است و سازوکار کنار آمدن برای اداره‌ی موقعیت‌های روزانه است. افراد با سبک هویت اطلاعاتی، به‌صورت فعال و آگاهانه به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند و سپس اطلاعات مناسب را مورد استفاده قرار می‌دهند جهت‌گیری هویت اطلاعاتی با تعمق درباره‌ی خود، تلاش‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار، سبک معرفتی منطقی، احساس نیاز به شناخت، پیچیدگی شناختی، تصمیم‌گیری هدفمند، وظیفه‌شناسی، پذیرش و هویت موفق رابطه‌ی مثبت نشان می‌دهد (برزونسکی و کوک^۱، ۲۰۰۰).

سبک هنجاری بر پایه‌ی تقلید و پیروی از افراد مهم در زندگی فرد بنا شده است و شامل یک دیدگاه بسته‌ی ذهنی و خودپنداری ثابت و سرکوب‌کننده‌ی اکتشاف است. این روش بسیار نزدیک به وضعیت تفویض اختیار ماریت است. نوجوانان با سبک هویت هنجاری، نسبت به موضوعات هویتی و تصمیم‌گیری‌ها به هم‌نوایی با انتظارات و دستورات افراد مهم و گروه‌های مرجع می‌پردازند. آن‌ها به‌طور خودکار، ارزش‌ها و عقاید را بدون ارزیابی آگاهانه می‌پذیرند و درونی می‌کنند؛ تحمل کمی برای مواجهه‌شدن با موقعیت‌های جدید و مهم دارند و نیاز بالایی برای بسته نگه‌داشتن ساختار خود نشان می‌دهند. در سبک سردرگم/اجتنابی برخورد طفره‌آمیز در مشکلات نمایان است. راهبردهای متمرکز بر هیجان با سطح پایینی از تعهد و اعتمادبه‌نفس و نیز بی‌ثباتی خودپنداری همراه است. افراد با سبک هویت سردرگم/اجتنابی، تعلل و درنگ می‌کنند و تا حد ممکن سعی در اجتناب از پرداختن به موضوعات هویت و تصمیم‌گیری دارند. این افراد در موقعیت‌های حساس تصمیم‌گیری، اطمینان کمی که به توانایی شناختی خود دارند، معمولاً پیش از تصمیم‌گیری، احساس ترس و اضطراب نیز دارند و در تصمیم‌گیری معمولاً از راهبردهای تصمیم‌گیری نامناسب مانند اجتناب کردن، بهانه آوردن و دلیل‌تراشی استفاده می‌کنند (حجازی و فرتاش، ۱۳۸۵).

هویت مبنایی اجتماعی دارد و از خلال تعامل با دیگران تحقق می‌پذیرد. هرچند هویت فردی، مفاهیم کلی و انتزاعی از خویشتن را در برمی‌گیرد، اما این مفاهیم با تحول و رشد فرد متحول می‌شوند و به گستره‌ی بزرگ اجتماعی که فرد در آن زندگی می‌کند تسری می‌یابند. همگام با رشد، نیاز است که افراد درباره‌ی انتخاب ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ی بزرگ‌تری که در آن قرار دارند و اینکه در سطح کلان خود را چه کسی و متعلق و وفادار به چه ارزش‌هایی می‌دانند؛ تصمیم بگیرند. (پیازه^۲، ۱۹۷۷؛ به نقل از محسنی، ۱۳۹۳). این تغییر به معنای رشد هویت اجتماعی (قومی، ملی یا دینی) و شکل‌گیری دانش، هیجان و معنا نسبت به تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی است. هویت‌های اجتماعی متعدّدند و مبنای ادراک خود را می‌سازند. یکی از قدیمی‌ترین پژوهش‌ها درباره‌ی هویت ملی و مفهوم فرد خارجی و هم‌میهن را پیازه انجام داده است. مطابق این پژوهش آگاهی از بستگی‌های ملی و تعلق داشتن به یک ملت دارای جنبه‌های شناختی و عاطفی درهم‌تنیده

¹ Kulk

² Piaget

و نسبتاً دیررس است؛ این تحول طبق روند خاص و مراحل مشخصی از سن و تاریخچه زندگی فرد صورت می‌پذیرد. (پیازه^۱، ۱۹۷۷؛ به نقل از محسنی، ۱۳۹۳).

در میان هویت‌های اجتماعی یک فرد هویت ملی یا «احساس انتساب به مجموعه افکار و احساساتی که چارچوب مفهومی هویت ملی را می‌سازند از مهم‌ترین‌هاست» (گرینفیلد، ۱۹۹۶، به نقل از محسنی، ۱۳۹۳).

عده‌ای معتقدند که هویت شخصی و اجتماعی دو سوی یک پیوستار هستند که آن را پیوستار فردی-اجتماعی می‌نامند (تاجفل، ۱۹۸۱، ترنر، ۱۹۸۷). وقتی ویژگی‌های فردی برجسته باشد هویت فردی و وقتی ویژگی‌های گروهی که به آن متعلق است، برجسته‌تر می‌شوند، هویت اجتماعی (قومی، ملی، دینی، ...) اهمیت می‌یابد. ایران کشوری دارای غنای قومیت است و افراد هریک از قومیت‌ها علاوه بر فرهنگ غالب ایرانی دارای ارزش‌ها و هنجارهایی منحصر و گاه متفاوت با فرهنگ ملی غالب می‌باشند.

پژوهش‌های زیادی بین قومیت و هویت ملی رابطه‌ی مثبت معناداری یافته‌اند. قیصری (۱۳۷۷) به این نتیجه رسید که در اعراب جنوب ایران هویت‌گرایی ملی بسیار قوی است. نتایج پژوهش ملکی (۱۳۸۶) نشان داد ضریب همبستگی ۰/۷۱ بین هویت قومی و هویت ملی در ترکمن‌ها وجود دارد. احمدلو (۱۳۸۱) به این نتیجه رسید بین هویت قومی و هویت‌گرایی ملی در جوانان تبریزی رابطه مستقیم وجود دارد و هرچه هویت قومی پررنگ‌تر باشد میزان گرایش به هویت ملی نیز افزایش می‌یابد.

حاجیانی (۱۳۸۷)، در پژوهشی تلاش نموده است تا علاوه بر سنجش میزان هویت ملی و هویت قومی در ابعاد سه‌گانه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، رابطه‌ی این دو هویت را هم بررسی نموده و مورد آزمون قرار دهد. نتایج به‌دست‌آمده در رابطه با میزان هویت ملی و قومی نشان داد که میزان هر دو هویت در بین اقوام گوناگون نسبتاً بالا است. اگرچه میزان هویت قومی و هویت ملی در بین اقوام ترکمن، عرب، لر، کرد، بلوچ و ترک اندکی متفاوت بوده و شدت و ضعف‌هایی در بین این اقوام وجود دارد ولی آنچه اهمیت دارد این است که میزان هر دو هویت یعنی هم هویت ملی و هویت قومی در بین همه‌ی گروه‌های قومی بالا و قوی است.

پژوهش کاظمی و نادری (۱۳۹۲) نشان داد بین سه قومیت کرد، مازنی و ترکمن از لحاظ سبک‌های هویتی تفاوت معناداری وجود ندارد و اکثر دانشجویان صرف‌نظر از قومیت‌شان دارای سبک هویتی اطلاعاتی هستند.

یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری هویت، دین است؛ هویتی که افراد در دوره‌ی نوجوانی و جوانی کسب می‌کنند از دین و نظام اعتقادی تأثیر می‌پذیرد (حاجیانی، ۱۳۷۹). هویت در معنای دینی آن نیز مورد پژوهش بوده است (منتظر قائم، ۱۳۷۷). دین به معنای احساس تعلق به یک باور و آرمان مشترک در یک گروه است. همراه با کسب هویت فردی و ملی، فرد در جستجوی

^۱ Piaget

نظامی است تا رویدادهای زندگی را برایش معنا کند. به نظر می‌رسد، ارتباط بین دین و هویت ارتباطی دوسویه باشد. هم مذهب و دین در شکل‌گیری هویت و نحوه‌ی نگرش فرد به خودش مؤثر است و هم سبک‌های هویتی در میزان گرایش به دین تأثیر دارند. نتایج مطالعات دوریز و سوئنز^۱ (۲۰۰۶) حاکی از آن است که فرایند پردازش اطلاعات مرتبط با هویت از لحاظ تئوریک با ابعاد دین‌داری مرتبط است. افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی تمایل دارند محتوای مذهبی را به صورت فردی و نمادین تفسیر و معنا کنند به این معنا که جوانان دارای هویت اطلاعاتی به صورت نقادانه مسائل مرتبط با مذهب را بررسی می‌کنند تا آن‌ها را با مشخصات شخصی خود مقایسه کنند (برزونسکی، ۱۹۹۷). نوجوانان دارای سبک هویتی اجتنابی مسائل مذهبی را به صورت تحت‌اللفظی و دقیق تفسیر می‌کنند به خاطر اینکه می‌خواهند تا جای ممکن از سؤال کردن و کنکاش موضوعات سخت و شخصی چون مذهب خودداری کنند (برزونسکی، ۱۹۹۷). به نظر می‌رسد افراد دارای هویت هنجاری مذهبی‌تر باشند (برزونسکی، ۱۹۹۷).

مطابق آنچه گفته شد پرواضح است که کسب هویت تکلیف بسیار مهم ورود به دنیای بزرگ‌سالی است و نگرش فرد نسبت به مسائل مهم زندگی نظیر شغل، ازدواج قطعاً از سبک هویت تأثیر می‌پذیرد. یکی دیگر از تکالیف مهم بزرگ‌سالی احساس تعلق به هویتی بزرگ‌تر نظیر هویت ملی و دینی است. این مسئله درباره کشور پهناوری مانند ایران که از تنوع و گوناگونی خرده‌فرهنگ‌های زبانی و قومیتی بهره‌مند است، اهمیت صدچندان می‌یابد. انتساب قومیت‌های مختلف ایرانی به هویت بزرگ‌تر ایرانی، جدای از ایجاد احساس خوشایند عضوی از خانواده بزرگ‌تر بودن، می‌تواند سد دفاعی محکم در مقابل هر هرگونه عامل خارجی تهدیدکننده تمامیت ارزی باشد (منتظر قائم، ۱۳۷۷)

علی‌رغم اهمیت ارتباط بین سبک‌های هویتی و هویت‌های اجتماعی (قومی، ملی، دینی و ...) تاکنون پژوهشی که بر اساس سبک‌های هویتی، هویت‌گرایی ملی و دینی را در میان قومیت‌های ایرانی بررسی کرده باشد انجام نشده است. بعلاوه در پژوهش‌های قبلی قومیت غالب فارس مورد پژوهش نبوده است و میزان فاصله، شباهت یا تفاوت ملی‌گرایی سایر قومیت‌ها با قومیت فارس بررسی نشده است.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه‌ی آماری پژوهش حاضر عبارت است از کلیه‌ی دانشجویان فارس، کرد، آذری و لر که در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ در حال تحصیل در دانشگاه کردستان هستند. تعداد کل دانشجویان دانشگاه کردستان ۱۵۰۰۰ نفر است. مطابق جدول مورگان ۳۷۵ نفر نمونه برای انجام این پژوهش کفایت می‌کند. با محاسبه‌ی احتمال ریزش تعداد نمونه، ۴۰۰ نفر (برای

^۱ Duriez & Soenens

هر قومیت ۱۰۰ نفر) به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش نیز انتساب خود شخص به یکی از این ۴ قومیت مورد مطالعه و ایرانی بودن بود (دانشگاه کردستان از کشورهای هم‌جوار نظیر عراق نیز دانشجوی می‌پذیرد). شرکت‌کنندگان دو مقیاس سنجش هویت دینی و ملی لطف‌آبادی (۱۳۸۵) و سبک‌های هویتی برزونسکی (۱۹۸۹) را تکمیل کرده و قومیت خود را مشخص کردند.

ابزار

مقیاس سنجش هویت دینی و ملی لطف‌آبادی: این مقیاس توسط لطف‌آبادی (۱۳۸۵) تدوین شده، ۲۲ گویه دارد که در مقیاس ۶ درجه‌ای لیکرت از کاملاً موافقم (امتیاز ۶) تا کاملاً مخالفم (امتیاز ۱) طراحی شده است. در این مقیاس پاسخ درست و غلط وجود ندارد. ۶ گویه به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. از ۲۲ گویه مقیاس، ۱۴ گویه (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۱۵) مربوط به هویت ملی و ۸ گویه (۱۴، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲) مربوط به هویت دینی است. هرچه نمره فرد در یکی از آن دو دسته بالاتر باشد هویت ملی یا دینی فرد نیرومندتر است (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵).

پرسشنامه‌ی سبک هویت (ISI): پرسشنامه‌ی ISI به‌منظور بررسی جهت‌گیری هویت افراد توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته شد و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این آزمون یک ابزار خودگزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیرمقیاس تشکیل یافته است که شامل جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی و تعهد می‌باشد. روایی آن از طریق ارزیابی همبستگی با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز (۱۹۸۶) تأیید شده است. نتایج نشان داد که هویت کسب‌شده با زیرمقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی و تعهد و هویت تأخیری با زیرمقیاس‌های تعهد، جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری اطلاعاتی و جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی همبستگی دارد. غضنفری (۱۳۸۳) نیز ضریب پایایی آن را از طریق آلفای کرانباخ برای زیرمقیاس تعهد ۰/۷۵، جهت‌گیری هنجاری ۰/۷۲، جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی ۰/۸۲، جهت‌گیری اطلاعاتی ۰/۷۶ و مقیاس کل ۰/۸۳ گزارش کرد. برای به دست آوردن نمره‌ی هر زیرمقیاس باید امتیاز مربوط به هر زیرمقیاس با هم جمع شوند. برخی از عبارات‌ها به‌صورت منفی نمره‌گذاری می‌شوند. عبارات‌های ۱۴-۱۱-۹ و ۲۰ به‌صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر دامنه‌ی سنی شرکت‌کنندگان ۱۸ تا ۳۲ سال بود. میانگین و انحراف معیار نمره‌ی سبک‌های هویتی و هویت ملی و مذهبی شرکت‌کنندگان در جدول ۱ ارائه شده است.

¹ Benion & Adamz

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار سبک‌های هویتی و هویت ملی مذهبی

سبک اطلاعاتی		سبک هنجاری		سبک سردرگمی		سبک تعهد		هویت‌گرایی ملی		هویت‌گرایی دینی	
S.D	mean	S.D	mean	S.D	Mean	S.D	Mean	S.D	mean	S.D	mean
۶/۸۰	۳۰/۱۸۸	۶/۲۰	۲۵/۵۹	۶/۲۲	۲۵/۵۹	۵/۳۳	۳۲/۹۶	۶۴	۱۴/۶۵	۲۶/۵۲	۷/۵۴

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد میانگین نمرات در سبک‌های هویت اطلاعاتی و تعهد بالاتر از بقیه‌ی سبک‌هاست است و نمره‌ی هویت‌گرایی ملی بسیار بالاتر از هویت‌گرایی دینی است.

جدول ۲- همبستگی بین متغیرهای پژوهش

اطلاعاتی	هنجاری	سردرگمی	تعهد	ملی	دینی	قومیت
اطلاعاتی	۱	**۰/۴۴۳	**۰/۱۵۱	**۰/۲۸۱	**۰/۱۶۲	**۰/۱۵۸
هنجاری	**۰/۴۴۳	۱	**۰/۱۴۰	**۰/۲۰۱	**۰/۲۳۱	**۰/۱۴۳
سردرگمی	**۰/۱۵۱	**۰/۱۴۰	۱	**۰/۲۶۴	**۰/۲۱۰	-۰/۰۳۹
تعهد	**۰/۲۸۱	**۰/۱۴۰	**۰/۲۶۴	۱	**۰/۲۶۸	۰/۰۴۱
ملی	**۰/۱۳۸	**۰/۲۰۱	**۰/۲۱۰	**۰/۲۶۸	۱	**۰/۲۱۶
دینی	**۰/۱۶۲	**۰/۲۳۱	**۰/۲۱۰	**۰/۲۶۸	**۰/۲۳۱	۱
قومیت	**۰/۱۵۸	**۰/۱۴۳	-۰/۰۳۹	۰/۰۴۱	۰/۰۴۱	۱

* همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۱ * همبستگی معنادار در سطح ۰/۰۵

همان‌گونه که نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد بین سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری (**۰/۴۴۳)، اطلاعاتی و سردرگمی (**۰/۱۵۱)، اطلاعاتی و تعهد (**۰/۲۸۱)، اطلاعاتی و هویت‌گرایی ملی (**۰/۱۳۸)، اطلاعاتی و هویت دینی (**۰/۱۶۲)، اطلاعاتی و قومیت (**۰/۱۵۸)، همبستگی وجود دارد.

بین سبک هنجاری و سردرگمی (**۰/۱۴۰)، هنجاری و تعهد (**۰/۴۱۷)، هنجاری و هویت‌گرایی ملی (**۰/۲۰۱)، هنجاری و دینی (**۰/۲۳۱)، هنجاری و قومیت (**۰/۱۴۳) همبستگی معنادار وجود دارد. بین سبک هویتی سردرگمی و تعهد (**۰/۲۶۴)، سردرگمی و هویت‌گرایی ملی (**۰/۲۱۰)، همبستگی وجود دارد. بین تعهد و هویت‌گرایی ملی (**۰/۲۶۸)، همبستگی معنادار وجود دارد. همبستگی بین سردرگمی و هویت دینی (**۰/۰۶۱)، سردرگمی و قومیت (**۰/۰۳۹)، تعهد و هویت

دینی (۰/۰۹۴)، تعهد و قومیت (۰/۰۴۱)، هویت ملی و قومیت (۰/۰۱۰)، هویت دینی و قومیت (۰/۰۴۶) معنادار نشد.

جدول ۳- بررسی اثر متغیر قومیت بر میزان هویت‌گرایی ملی

منبع	خلاصه‌ی مجذورات	D.F	میانگین مجذورات	F	sig	Eta مجذور آماری	توان
ثابت	۱۶۴۳۶۱۴/۶۶۳	۱	۱۶۴۳۶۱۴/۶۶۳	۹۴۰۴/۷۶۳	۰/۰۰۰	۰/۹۶۰	۱/۰۰۰
قومیت	۱۵۴۲۲/۱۹۳	۳	۵۱۴۰/۷۳۱	۲۹/۴۱۵	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳	۱/۰۰۰
خطا	۶۸۸۵۷/۰۴۲	۳۹۴	۱۷۴/۷۶۴				
کل	۱۷۳۲۷۹۶/۰۰۰	۴۰۲					
کل تصحیح‌شده	۸۵۹۴۷/۹۹۰	۴۰۱					

چنانکه نتایج مندرج در جدول شماره ۳ نشان می‌دهد آزمون F برای اثر اصلی متغیر قومیت بر میزان هویت‌گرایی ملی معنادار است ($p < 0.01$; $F = 29/415$) به عبارت دیگر تفاوت معناداری بین نمرات هویت‌گرایی ملی قومیت‌ها وجود دارد. میزان این تأثیر ۱۸٪ است یعنی ۱۸٪ نمرات کل هویت‌گرایی ملی در اثر تفاوت‌های قومیتی به وجود آمده است.

جدول ۴- بررسی اثر متغیر قومیت بر میزان هویت‌گرایی دینی

منبع	خلاصه‌ی مجذورات	D.F	میانگین مجذورات	F	sig	Eta مجذور آماری	توان
ثابت	۲۸۲۰۵۶/۱۰۱	۱	۲۸۲۰۵۶/۱۰۱	۵۳۹۰/۲۹۶	۰/۰۰۰	۰/۹۳۲	۱/۰۰۰
قومیت	۲۴۹/۷۹۰	۳	۸۳/۲۶۳	۱/۵۹۱	۰/۱۹۱	۰/۰۱۲	۰/۴۱۸
خطا	۲۰۶۱۶/۶۹۹	۳۹۴	۵۲/۳۲۷				
کل	۳۰۵۵۲۲/۰۰۰	۴۰۲					
کل تصحیح‌شده	۲۲۶۳۴/۱۹۹	۴۰۱					

همان‌طور که نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، تأثیر قومیت بر میزان هویت‌گرایی دینی معنادار نشد ($p > 0.01$; $F = 1/6$). به عبارت دیگر بین نمرات هویت‌گرایی دینی قومیت‌های مختلف تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۵- جدول شماره ضرایب معادله‌ی رگرسیون چندگانه‌ی گام‌به‌گام برای پیش‌بینی هویت‌گرایی ملی

	گام	ضرایب معادله	ضرایب بتا	نسبت \square	R	R ²
۱	مقدار ثابت	۳۹/۷۲۷	=	۸/۹۹۹	۰/۰۰۰	
	تعهد	۰/۷۳۷	۰/۲۶۸	۵/۵۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۶۸ ۰/۰۷۰
۲	مقدار ثابت	۵۲/۲۶۱	-	۸/۶۶۷	۰/۰۰۰	
	تعهد	۰/۶۲۹	۰/۲۲۹	۴/۶۳۲	۰/۰۰۰	۰/۳۰۴ ۰/۰۸۸
	سردرگمی	-۰/۳۵۱	-۰/۱۴۹	-۳/۰۱۷	۰/۰۰۳	
۳	مقدار ثابت	۵۰/۱۶۲	-	۸/۳۵۲	۰/۰۰۰	
	تعهد	۰/۴۰۶	۰/۱۴۸	۳/۶۶۰	۰/۰۰۸	۰/۳۳۷ ۰/۱۰۷
	سردرگمی	-۰/۴۵۶	-۰/۱۹۴	-۳/۷۹۹	۰/۰۰۰	
	هنجاری	۰/۳۹۳	۰/۱۶۶	۳/۰۷۵	۰/۰۰۲	
۴	مقدار ثابت	۴۴/۵۰۵	-	۶/۹۷۱	۰/۰۰۰	
	تعهد	۰/۴۲۰	۰/۱۵۳	۲/۷۷۰	۰/۰۰۶	۰/۳۶۹ ۰/۱۲۵
	سردرگمی	-۰/۵۰۱	-۰/۲۱۳	-۴/۱۵۳	۰/۰۰۰	
	هنجاری	۰/۴۲۸	۰/۱۸۲	۳/۳۵۳	۰/۰۰۱	
	اطلاعاتی	۰/۲۳۶	۰/۱۱۰	۱/۹۹۱	۰/۰۴۷	

همان‌گونه که ضرایب بتا نشان می‌دهند با افزوده شدن هریک از سبک‌ها میزان وزن بتا تغییر پیدا کرده است. در گام آخر که همه سبک‌ها شرکت داشتند، ترتیب تعهد هویت، هنجاری و اطلاعاتی بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی هویت‌گرایی ملی دارند و سبک هویتی سردرگمی با ضریب بتای ۰/۲۱۳- با هویت‌گرایی ملی غیرهمسو است. آزمون t نشان می‌دهد که ضرایب به‌دست‌آمده برای معادله رگرسیون معنادار هستند ($P \leq ۰/۰۵$). در گام اول رگرسیون تعهد هویت ۰/۲۶۸ با هویت‌گرایی ملی دارای ضریب همبستگی است و ۷ درصد از واریانس هویت‌گرایی ملی را تبیین می‌کند. در گام دوم سبک هویتی سردرگمی افزوده شد که موجب افزایش ضریب همبستگی چندگانه به ۰/۳۰۴ شد و در این گام این دو عامل توانستند ۸/۸ درصد از واریانس هویت‌گرایی ملی را تبیین کنند. در گام سوم سبک هویتی هنجاری افزوده شد که موجب افزایش ضریب همبستگی چندگانه به ۰/۳۳۷ شد و در این گام این سه عامل توانستند باهم ۱۰/۷ درصد از واریانس هویت‌گرایی ملی را تبیین کنند. در گام چهارم مقدار واریانس تبیین شده توسط همه عوامل به ۱۲/۵ درصد رسید.

با توجه به ضرایب به‌دست‌آمده در جدول ۵ می‌توان برای گام‌های سه‌گانه‌ی فوق میزان هویت‌گرایی ملی را با استفاده از معادله‌ی زیر پیش‌بینی کرد:

$$(۴۴/۵۰۵) + (-۰/۵۰۱) \times \text{سردرگمی} + (۰/۲۳۶) \times \text{اطلاعاتی} + (۰/۴۲۸) \times \text{هنجاری} + (۰/۴۲۰) \times \text{تعهد} = \text{هویت‌گرایی ملی}$$

جدول ۶- ضرایب معادله‌ی رگرسیون چندگانه‌ی گام به گام برای پیش‌بینی هویت‌گرایی دینی

	گام	ضرایب بتا	نسبت β	سطح معناداری	R	R ²
۱	مقدار ثابت	۱۰/۴۳۶	-	۴/۷۶۶	۰/۰۰۰	
	هنجاری	۰/۱۳۹۳۲۰	۰/۲۶۵	۵/۶۱۹	۰/۰۰۳	۰/۱۳۰
۲	مقدار ثابت	۱۸/۷۴۴	-	۷/۰۵۶	۰/۰۰۰	
	هنجاری	۰/۴۵۷	۰/۳۷۷	۷/۴۷۰	۰/۰۰۰	۰/۴۲۹
	اطلاعاتی	-۰/۲۹۹	-۰/۲۷۱	-۵/۱۹۶	۰/۰۰۰	۰/۱۸۴

همان‌گونه که ضرایب بتا نشان می‌دهند با افزوده شدن هریک از سبک‌ها میزان وزن بتا تغییر پیدا کرده است. در گام آخر که همه متغیرها وارد شدند سبک هویت‌هنجاری بیشترین تأثیر را در میزان هویت‌گرایی دینی دارد. سبک هویتی اطلاعاتی با ضریب بتای $-۰/۲۷۱$ - با هویت‌گرایی دینی غیرهمسو است. آزمون t نشان می‌دهد که ضرایب به‌دست‌آمده برای معادله‌ی رگرسیون معنادار هستند ($P \leq ۰/۰۵$). گام اول سبک هویتی‌هنجاری دارای ضریب همبستگی چندگانه به $۰/۳۵۸$ است. به این معنا که ۱۳ درصد از واریانس هویت‌گرایی دینی را هویت‌هنجاری تبیین می‌کند. در گام دوم که سبک هویتی اطلاعاتی وارد شد ضریب همبستگی به $۰/۴۲۹$ و واریانس تبیین شده توسط کل عوامل به $۱۸/۵$ درصد رسید. با توجه به ضرایب به‌دست‌آمده در جدول ۷ می‌توان برای گام‌های دوگانه‌ی فوق میزان هویت‌گرایی دینی را با استفاده از معادله‌ی زیر پیش‌بینی کرد:

$$(۱۸/۵) + (-۰/۲۹۹) \times \text{اطلاعاتی} + (۰/۴۵۷) \times \text{هنجاری} = \text{هویت‌گرایی دینی}$$

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی میزان هویت‌گرایی ملی و دینی بر اساس سبک‌های هویتی در قومیت‌های ایرانی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که در هر ۴ گروه قومیتی دانشجویان صرف‌نظر از قومیت، بیشتر سبک هویتی اطلاعاتی دارند. این یافته با یافته‌های عبدی زین، ادیب راد، یونسی و عسکری (۱۳۸۹)، بیرامی (۱۳۸۹) کاظمی و نادری (۱۳۹۲) که نشان دادند اکثر نوجوانان و جوانان سبک هویتی اطلاعاتی دارند همخوانی دارد. افراد با سبک هویتی اطلاعاتی، آگاهانه و فعالانه در جستجوی اطلاعات هستند و پس از کسب اطلاعات درست و دقیق به انتخاب و تصمیم‌گیری می‌پردازند. در مواجهه با فضای فکری دانشگاه و هجوم اطلاعات متنوع طبعاً جوانان و نوجوانان دانشجو آگاهانه به جستجوی اطلاعات و سپس انتخاب و تصمیم‌گیری خواهند پرداخت.

یافته‌ی دیگر هویت‌گرایی ملی در میان قومیت‌های مختلف ایرانی بود. بیشترین نمره هویت‌گرایی ملی را قومیت فارس، سپس آذری و بعد از آن کردها داشتند و میانگین نمره‌ی هویت‌گرایی ملی لرها از ۳ قومیت دیگر کمتر بود. قومیت ۱۸٪ واریانس نمرات هویت‌گرایی ملی را تعیین کرد. طبیعی است که قومیت فارس نسبت به باقی قومیت‌ها هویت‌گرایی ملی بیشتری داشته باشد. نکته‌ی جالب این پژوهش آن بود که تفاوت میانگین نمره آذری‌ها و فارس‌ها در میزان هویت‌گرایی ملی بسیار ناچیز بود. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های احمدلو و محمدزاده (۱۳۹۲) همخوان است که نشان دادند، هویت ملی در دو گروه قومی آذری و کرد بالا بوده، اما هویت ملی آذری‌های بیشتر از کردها است. تحقیق هزارجریبی و لهراسی (۱۳۹۰)، احمدلو و افروغ (۱۳۸۱)، پاینده و جعفرزاده (۱۳۸۹) نشان داد بین قومیت و هویت ملی رابطه‌ی مثبت وجود دارد یا هرچه میزان تأکید بر قومیت بیشتر باشد، هویت‌گرایی ملی نیز بیشتر است یا حداقل این دو با هم در تضاد نیستند؛ اما مقدس و حیدری (۱۳۸۷) نشان دادند هویت قومی بر هویت ملی ارجحیت دارد. حاجبانی (۱۳۸۷) به این نتیجه رسید در لرها و آذری‌ها هویت ملی مهم‌تر است و کردها و اعراب قومیت را بر ملی‌گرایی ترجیح می‌دهند. فکوهی و آموسی (۱۳۸۸) به نتایج مشابهی دست یافتند می‌توان این تناقضات را این‌گونه تبیین کرد که هویت پیوستاری است که سبک هویتی روان‌شناختی یکسوی آن و هویت اجتماعی (قومی، دینی و ملی) در نقاط دیگر این پیوستار قرار دارند. بسته به اینکه بافت مورد پژوهش چه جنبه‌ای را پررنگ‌تر کرده باشد افراد انتخاب می‌کنند که چه بخشی از این پیوستار در موقعیت خاص در اولویت باشد. اهمیت مسئله ارتباط بین قومیت و ملی‌گرایی در شرایطی که کشورهای دارای تنوع قومی به‌ویژه در خاورمیانه به تجزیه تهدید یا تشویق می‌شوند روزافزون می‌شود (نوربخش، ۱۳۸۷).

از بین سبک‌های هویت به ترتیب تعهد هویت، هنجاری و اطلاعاتی بیشترین تأثیر را در پیش‌بینی هویت‌گرایی ملی داشتند و سبک هویتی سردرگم/اجتنابی با هویت‌گرایی ملی غیرهمسو بود. می‌توان گفت زمانی فرد به تعهد هویتی می‌رسد که تصمیم قاطعی در زمینه‌های مختلف زندگی خود مانند شغل، ازدواج، پایبندی به دیدگاه‌های عقیدتی سیاسی خاص اتخاذ کرده باشد و راهبردهای خاصی را برای اهداف شخصی و تعیین مسیر زندگی دربر گرفته باشد (آقامحمدیان و حسینی، ۱۳۸۹). داشتن تعهد می‌تواند به فرد کمک کند بین نیازهای شخصی و خواسته‌های اجتماعی تعادل برقرار کند و در همه‌ی زمینه‌ها در سمت و سوی مشخص تمرکز کند. از سوی دیگر قبلاً گفته شد که اگر هویت را (چه فردی و چه اجتماعی) یک پیوستار در نظر بگیریم و هویت فردی و اجتماعی را از هم جدا نکنیم کسب هویت فردی مشخص، به معنای التزام به ارزش‌های والای اجتماعی نظیر ملی‌گرایی است. بعد از تعهد هویت، افراد دارای سبک هویت هنجاری که میزان هم‌نواپی بیشتری با ارزش‌های مورد تأیید اجتماع دارد، میزان ملی‌گرایی بیشتری دارند و در گام سوم سبک هویتی اطلاعاتی پس از کاوش در زمینه‌ی هویت و کسب اطلاعات لازم به جرگه‌ی متعهدان به آرمان‌های ملی می‌پیوندند و در این راه تفاسیر و راه و روش خود را دارند. سبک

سردرگم اجتنابی با هویت‌گرایی ملی غیرهمسو است. طبیعی است فردی که هنوز نتوانسته تصمیمی قاطعانه درباره‌ی مسیر زندگی فردی خود بگیرد و دنبال فرصتی برای تعلل و تعویق انتخاب‌هاست درباره‌ی مسائل و ارزش‌های بزرگ‌تری چون هویت ملی موضع روشنی نخواهد داشت (جعفرزاده‌پور و حیدری، ۱۳۹۳)

یافته‌ی دیگر مربوط به توانایی پیش‌بینی هویت‌گرایی دینی بر اساس سبک هویتی بود. از میان سبک‌های هویتی سبک هویت هنجاری بیشترین توان پیش‌بینی در میزان هویت دینی را داشت. هویت دینی با ویژگی‌هایی چون همنوایی با انتظارات و پیروی از دستورات افراد مهم در مواقع تصمیم‌گیری، درونی کردن ارزش‌ها و عقاید بدون ارزیابی آن‌ها و نیاز زیاد به ساختار و تحمل کم در برابر ابهام مشخص می‌شود. مغاللو، آگیلاروفایی و شهرآرای (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیدند که دین‌داری با دو سبک هویتی اطلاعاتی و هنجاری رابطه‌ی مثبت و با سردرگمی/اجتنابی رابطه‌ی منفی دارد؛ هرچند در پژوهش حاضر می‌توان گفت که ارتباط مثبت بیشتر متغیرهای دین‌داری با سبک هویت هنجاری و ارتباط معکوس آن‌ها با سبک هویت اطلاعاتی، نشانگر تعلق این متغیرها به یک سازه‌ی مشترک دین‌داری است. مذهب بخش مهمی از هویت شخص است و با در اختیار قرار دادن چهارچوب و مبانی ارزشی به فرد کمک می‌کند به زندگی خود معنا و مفهوم ببخشد (علامه جعفری، ۱۳۷۷، به نقل از قربانی، ۱۳۸۴). از سوی دیگر، رویکردهای تحولی بر این نکته تأکید می‌کنند که دین در مراحل گوناگون زندگی، متناسب با طراز تحول روانی - شناختی درک می‌شود (دادستان و همکاران، ۱۳۷۴، به نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۲). پژوهش‌های برزونسکی (۱۹۹۷) نشان داده است افراد دارای سبک هویت اطلاعاتی و هنجاری نسبت به افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی تعهدات قوی‌تری دارند، به بیان دیگر تعهد به شیوه‌های گوناگون، عملکرد شخص را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ تعهد، نشانگر قدرت و روشنی معیارها و باورهای مربوط به خود است. تعهد به هدف‌ها و معیارهای واضح در مورد خود، در نظم‌بخشی رفتار فرد مؤثر است. افراد فاقد دیدگاه ثابت و روشن درباره خود و دنیای خود، دنیا را به صورت یک مجموعه‌ی پراشوب و پیش‌بینی‌نشده می‌پندارند (برزونسکی، ۲۰۰۳). افراد دارای هویت اطلاعاتی، وظیفه‌شناس و دارای هدف‌های مشخص و روشن هستند (برزونسکی، ۱۹۹۷؛ برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵) از سوی دیگر، افرادی که سبک هویت هنجاری دارند، نیز به وسیله‌ی همنوایی با تجربه‌ها و تجویزهای گروه‌های مرجع و افراد مهم زندگی‌شان به‌طور خودکار ارزش‌ها و باورهای دیگران را بدون ارزیابی آگاهانه درون‌سازی می‌کنند و به آن‌ها متعهد می‌شوند، درحالی‌که افراد دارای سبک هویت سردرگم/اجتنابی بر خلاف دو سبک دیگر، خودنظم‌دهی پایینی دارند و رفتارشان بر پایه‌ی عوامل موقعیتی و لذت‌طلبی تعیین می‌شود.

نمره‌ی هویت دینی در قومیت کرد پایین‌تر از بقیه قومیت‌ها بود. شاید بتوان این مسئله را به تفاوت مذهب قومیت کرد با مذهب رسمی کشور تبیین کرد. قومیت فقط حدود ۲٪ واریانس نمره‌ی

هویت‌گرایی دینی را تعیین کرد. شاید بتوان گفت در کشور چند قومیتی ایران وجه مشترک میان همه قومیت‌ها نظام دینی باشد. نتایج تحلیل واریانس نشان داد که ارتباط بین قومیت‌ها و هویت دینی معنادار نشد. این یافته در راستای یافته‌های موحد، حیدری و بهجتی اصل (۱۳۹۳) است که بین هویت قومی و دین‌داری رابطه‌ی معناداری وجود نداشت.

نکته‌ای مهم که باید همواره در نظر داشت تأثیر سبک‌های هویتی در عزت‌نفس افراد است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های هویتی اطلاعاتی و هنجاری با عزت‌نفس رابطه‌ی مستقیم و معنادار دارند و سبک هویتی سردرگم/ اجتنابی رابطه‌ای منفی با عزت‌نفس دارد (حسین‌زاده و سپاه‌منصور، ۱۳۹۰). زمانی که فرد موفق به انجام تکلیف کسب هویت شده باشد نگرش شناختی و عاطفی مثبتی نسبت به خود پیدا می‌کند. قطعاً نگرش فرد نسبت به مسائل بزرگ‌تری مانند هویت ملی و دینی از نگرش‌های شناختی و عاطفی‌اش تأثیر می‌پذیرد.

جامعه‌ی پژوهش حاضر را دانشجویان تشکیل دادند. کسانی که با ورود به دانشگاه با آرا و دیدگاه‌ها و قومیت‌های مختلف مواجه می‌شوند. این تنوع و گوناگونی می‌تواند فرصت مناسبی برای تسهیل شکل‌گیری هویت‌گرایی ملی و دینی در دانشجویان باشد در کل نتایج پژوهش نشان داد که سبک‌های هویت در تعیین میزان هویت‌گرایی ملی و دینی نقش بسزایی دارند. جنبه‌ی نوآورانه‌ی پژوهش حاضر بررسی نقش سبک‌های هویتی در میزان هویت‌گرایی ملی و دینی است. غالب پژوهش‌های گذشته بیشتر جامعه‌شناسانه یا به دنبال ایجاد ارتباط بین سبک‌های هویتی و دیگر ویژگی‌های روان‌شناختی افراد بوده‌اند.

منابع

- احمد لو، حبیب؛ افروغ، عماد؛ (۱۳۸۱) رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز. فصلنامه مطالعات ملی ش ۱۳. ص ۱۰۹-۱۴۴.
- احمدلو، حبیب و فاطمه محمدزاده، ۱۳۹۲، بررسی میزان هویت ملی در میان اقوام ایرانی: مطالعه کردها و ترک‌های آذری، همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی، تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی.
- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱) بررسی رابطه‌ی میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲) تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام. چاپ اول: قم. پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آقامحمدیان، حمیدرضا، حسینی، مهران (۱۳۸۴). روانشناسی بلوغ و نوجوانی. مشهد انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.

- بیرامی، منصور (۱۳۸۹) مقایسه‌ی سبک‌های هویت، انواع هویت در دانشجویان دختر و پسر. فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز سال پنجم شماره ۲۰.
- پاینده، محبوبه؛ جعفرزاده پور فروزنده (۱۳۸۹) بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان دهم‌دست. مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، پاییز و زمستان ۱۳۸۹ دوره شش. شماره ۵. صص ۱۰۱ تا ۱۲۲
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۸۷). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، صص ۱۶۴-۱۴۳.
- حاجیان، ابراهیم. (۱۳۷۹) تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵، صص ۲۲۸-۱۹۳.
- حجازی الهه، فراتاش، سهیلا (۱۳۸۵) تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد و کیفیت دوستی. فصلنامه زن در توسعه و سیاست دوره ۴، شماره ۳.
- حسین‌زاده، علی‌اصغر. سپاه منصور، مژگان (۱۳۹۰). رابطه حمایت اجتماعی و عزت‌نفس با سبک‌های هویت دانشجویان. فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی. دوره ۱. شماره ۱. صص ۷۴-۸۸.
- دوران، بهزاد (۱۳۸۷). هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها. تهران. جهاد دانشگاهی.
- رزازی فر، اعظم (۱۳۷۹). الگوی جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران. فصلنامه مطالعات ملی، سال ۲. شماره ۵. صص ۱۳۲-۱۰۱.
- رضایی فرح آبادی، سمانه؛ احقر، قدسی (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و سبک‌های هویت و مقایسه آن‌ها در دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر تهران. فصلنامه مطالعات ملی شماره ۴۸، ۴۳-۲۵.
- شارع پور محمود، خوش فر غلامرضا (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان «مطالعه موردی شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۱۳۸۱، دوره ۱۰، شماره پیاپی ۲۰.
- عبدی زرین، سهراب؛ ادیب راد، نسترن؛ یونسی، سید جلال؛ عسگری، علی؛ (۱۳۸۹) رابطه سبک‌های هویت با خودکارآمدپنداری دانش‌آموزان پسر دبیرستانی ایرانی و افغانی ساکن قم. مجله رفاه اجتماعی «زمستان ۱۳۸۹ - شماره ۳۹ علمی ۴۴۵ تا ۴۷۴
- قربانی، جعفر (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری دینی با صفات عمده شخصیت در آزمون ۱۶ عاملی کتل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
- قیصری، نورالله (۱۳۷۷). قویت عرب و هویت ملی در ایران"، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال اول، پیش‌شماره‌ی اول: ۸۴-۴۹.
- کاظمی، فاطمه. نادری، حبیب‌الله (۱۳۹۲) بررسی رابطه سبک‌های هویت‌یابی و هویت قومی در دانشجویان گروه‌های قومی ترکمن، کرد و مازنی همایش قومیت و فرهنگ ایران اسلامی.

لطف‌آبادی، حسین (۱۳۸۵) "آموزش شهروندی ملی و جهانی همراه با تحکیم هویت و نظام ارزشی دانش‌آموزان. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، شماره ۱۷، سال پنجم، دوره پاییز، صص ۴۴-۱۱.

محسنی نیکچهره (۱۳۹۳)، نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد: شناخت، شناخت اجتماعی، شناخت و عواطف، انتشارات جاجرمی ص ۵۴۵.

محمد بخش، بهمن؛ حبیبی، اکرم؛ قریشی، فردین (۱۳۹۰). جهانی‌شدن و هویت ملی دانشجویان دانشگاه تبریز. فصلنامه رفاه اجتماعی شماره ۴۳، صص ۳۴-۵۶.

مغانلو، مهناز؛ آگیلاروفایی، مریم؛ شهرآرای، مهرناز (۱۳۸۸) رابطه سبک‌های هویت و دین‌داری در دانشجویان مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار، دوره ۱۵ شماره ۴، صص ۳۷۷ تا ۳۸۷).

مقدس علی‌اصغر، حیدری اله رحم (۱۳۸۷). رابطه هویت طایفه‌ای و هویت ملی با تأکید بر متغیرهای نگرشی در شهر نورآباد ممسنی فصلنامه مطالعات ملی. سال نهم، شماره ۱ ص ۱۵۱-۱۶۹.

فکوهی، ناصر؛ آموسی، مجنون (۱۳۸۸) هویت ملی و هویت قومی در کردستان ایران (مطالعه موردی معیشت اقتصادی و تعلق‌های هویتی نزد جوانان شاغل در اقتصاد غیررسمی پیرانشهر) مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، دوره شماره ۲، از صفحه ۴۹ تا صفحه ۷۵.

ملکی، حمید (۱۳۸۸). همبستگی اجتماعی در گروه‌های قومی: مطالعه موردی استان گلستان، فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی، سال دهم، شمار اول.

منتظر قائم، م. (۱۳۷۷) رسانه‌های جمعی و هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۴، صص ۷۶ - ۴

موحد، مجید؛ حیدری، آرمان؛ بهجتی اصل، سید فخرالدین (۱۳۹۳). بررسی رابطه‌ی هویت قومی و ملی با تأکید بر نقش دین‌داری: نمونه موردی دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی. سال ۲۵، شماره ۲، صص ۱۸۸-۱۷۱.

موحد، مجید؛ کاووسی، فرزانه (۱۳۹۰). عوامل فرهنگی - اجتماعی مرتبط با هویت ملی نوجوانان شهر اهواز - مطالعه موردی: دانش‌آموزان شهر اهواز. فصلنامه مطالعات ملی. شماره ۴۶، صص ۱۳۲-۱۱۳.

میکائیلی منبع، فرزانه (۱۳۸۸). رابطه سبک‌های هویت، تعهد هویت و جنسیت با سازگاری دانشجویان با دانشگاه. فصلنامه مطالعات روان‌شناختی. دوره پنجم، شماره ۲، ۵۱-۷۴.

نوربخش یونس (۱۳۸۷). فرهنگ و قومیت مدلی برای ارتباطات فرهنگی در ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران سال اول شماره چهار. صص ۶۷ تا ۹۰

هزار جریبی، جعفر؛ لهراسبی، سعید. (۱۳۸۹) بررسی رابطه سرمایه اجتماعی با میزان هویت جمعی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و دوم، شماره پیاپی ۴۲، شماره دوم: ۱-۲.

Berzonsky, M. D. & Sullivan, C. (1992). "Social-cognitive aspects of identity style: Need for cognition, experiential openness, and introspection." *Journal of Adolescent Research*, 7, 140-155.

Berzonsky, M. D. (1997). Identity development, control theory, and self regulation: An individual differences perspective. *Journal of Adolescent Research*, 12, 347-353.

Berzonsky, M. D. (2003). The structure of identity: Commentary on Jane Kroger's view of identity status transition. *An International Journal of Theory and Research*, 3, 231-245.

Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.

Berzonsky, M. D., & Kuk, L. S. (2005). Identity styles, psychological maturation, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 237-247

Berzonsky, M.D. (1992); Identity style and coping strategies, *Journal of personality*, 12, PP

Duriez, B., & Soenens, B. (2006). Religiosity, moral attitudes and moral competence: A critical investigation of the religiosity—morality relation. *International Journal of Behavioral Development*.

Hume, Susan E. (2008); "Ethnic and National Identities of Africans in the United States", *Geographical Review*, No. 98, PP 496-511.

Lewis, H. L. (2003). Differences in Ego Identity among College Students across Age, Ethnicity, and Gender, *Identity*, 3(2), 159 – 189

Marcia, J. E. (1966), Development and Validation of ego-identity status, *Journal of Personality and Social Psychology*, 3,551-558.

Phillips, T. M, Pittman, J. F, (2007). Adolescent psychological well-being by identity style, *Journal of Adolescence*, 30, 1021–1034.

Streitmatter, J. (1993). Gender differences in identity development: An examination of logitudinal data. *Adolescence*, 28, 55-77.

Tajfel,H. (1981).human groups and social categories. Cambridge university press. Cambridge.

Turner,T.C. (1987).rediscovering the social group: a self-categorization theory. Basil Blackwell, Oxford,U.K.

Vleioras, G., & Bosma, H. A. (2005). Are identity styles important for psychological well-being? *Journal of Adolescence*, 28 (3), 397-409.

White, J.M., Wampler, R.S., & Winn, K.I. (1998). The Identity Style Inventory: A Revision with a Sixth-grade Reading Level (ISI-6G), *Journal of Adolescent Research*, 13(2), 223-245.

